



تأملی بر کتاب:

«انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن»

● محمد شفیع فر*

کتاب «انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن» از جمله مهم‌ترین کتابهایی است که معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی منتشر کرده است. این کتاب که به عنوان متن درسی و به طور آزمایشی ارائه شده، همراه با اطلاعات و داده‌های فراوان و برخوردارگی از ارجاعها و منابع خوب و متعدد در پاورقی و کتابنامه بسیار خوب، از امتیازات بسیاری برخوردار است.

اینکه پس از مدتهایی سروسامانی در دروس معارف اسلامی دانشگاهها، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی متولی این امر شده و با تمرکز فوق العاده روی این درس در چند سال اخیر کارهای ارزنده‌ای انجام داده است، بزرگترین توفیق تلقی می‌شود که از این بابت باید بسی خوشحال و سپاسگزار بود. در این عرصه، شاید بیشترین و بهترین تلاشها در مورد درس ریشه‌های انقلاب انجام شده باشد که از برپایی سمینار در سال ۷۴ تا کنون به طور بی وقفه و روز افزون ادامه داشته است.

یکی از امتیازات این کتاب، آن است که مطابق روشهای علمی - آموزشی در ابتدای هر فصل در یک صفحه به اهداف کلی فصل و نیز اهداف رفتاری آن به صورت مجزا اشاره شده و مطابق همان اهداف، مباحث و عناوینی به آن اختصاص یافته است. این هدف گذاری، از پراکنده گویی و خروج بحث از مجرای اصلی خود جلوگیری می کند که اگر برای مجموع کتاب هم، چنین رویه ای اعمال می شد، قطعاً در انسجام کتاب تأثیری گذاشت؛ اما وجود بیش از ۳۰ هدف کلی در مجموع فصلها و گاه چند هدف کلی در یک فصل، دسترسی به آنها را مشکل کرده و ارتباط مجموعه این هدفها را با هم، محو کرده است؛ اگرچه نفس توجه به این امر و طراحی مباحث بر اساس اهداف و انتظارات، اقدامی ارزشمند و قابل تقدیر می باشد.

از دیگر امتیازات این کتاب، جمع نویسندگان است که متشکل از دست اندرکاران تدریس این درس در دانشگاهها و صاحب نظرانی است که با مسایل و مشکلات آن آشنا بوده اند؛ بخصوص اشرف و نظارت آقای دکتر ملکوتیان که هم مقدمه و ویرایش علمی آن را بر عهده داشته و هم چند مقاله خوب آن را تهیه کرده است، سبب شده تا اعتماد و اطمینان به کتاب، بیشتر شود. اما با وجود این، کاستیهایی نیز در کتاب وجود دارد که البته نویسندگان هم راه را برای ارزیابی و نقد آن باز گذاشته و طبیعی است که در چاپهای بعدی، آنها را جبران خواهند نمود. مهمترین کاستیهای این کتاب عبارتند از:

۱- فقدان چارچوب نظری: شاید مهمترین نقیصه کتاب، عدم ابتدای آن بر یک چارچوب نظری و تئوریک باشد. گرچه از متن درسی، انتظار یک تحقیق علمی و آکادمیک صرف نمی رود؛ ولی برای نظم و انسجام مباحث هر کتابی، لازم است که یک چارچوب نظری حداقل انتخاب شود. اما کتاب حاضر، صرفاً مباحثی را در حوزه انقلاب اسلامی در خود جای داده که به نوبه خود، گنجینه خوبی است؛ ولی نظم متدولوزیک در داده ها و سازمان آن وجود ندارد.

البته برخی مباحث نظری و فکری در این مجموعه وجود دارد که ارزشمند است ولی کتاب بر هیچ یک از آنها مبتنی نیست. این مباحث نظری همانند جزیره هایی جدا جدا هستند که به صورت متداخل در کتاب گنجانده شده اند و همین مسأله باعث شده است که کتاب دچار یک دوگانگی مباحث شود.





در مقدمه کتاب، یک بحث کاملاً نظری در زمینه نحوه وقوع انقلابها و عوامل مؤثر در آنها وجود دارد. اگر همین چارچوب که مناسب و علمی هم هست، مبنای کتاب قرار می‌گرفت و کتاب بر اساس آن طراحی می‌شد، چه بسا، غنای علمی و نظری کتاب بسیار بیشتر می‌شد؛ اما این مقدمه که پس از اتمام کار کتاب به آن اضافه شده است، هیچ نمودی در متن کتاب ندارد. حتی اگر بپذیریم که نگارش مقدمه بعد از تدوین متن، صحیح باشد، این مقدمه باید به گونه‌ای نوشته می‌شد که مباحث کتاب را به لحاظ نظری توجیه کرده و جایگاه هر یک از فصلها و بحثها را در مجموعه کتاب، طبق یک طرح نظری برای خواننده روشن کند. متأسفانه این مقدمه با وجود علمی بودن، ارتباط اندکی با کتاب دارد و به مثابه جزیره جدایی با داده‌های خوب و ارزشمند است.

فصل هشتم کتاب هم بحثی نظری و تئوریک است که می‌توانست به عنوان مبنای کتاب قرار گیرد؛ ولی اولاً اعتنایی به استفاده و کارکرد نظری این فصل نشده و صرفاً به نقد و بررسی برخی از نظریه‌ها در مورد انقلاب اسلامی، تقلیل یافته است و ثانیاً با کمال تعجب، این بحث کاملاً نظری، به عنوان فصل هشتم و آخرین مباحث مربوط به انقلاب اسلامی (پس از پیروزی) قرار گرفته است؛ در حالی که مباحث نظری عمدتاً در ابتدای هر کتاب قرار می‌گیرند.

از این نظر گویا این بحث تحت الشعاع شیوه تاریخی قرار گرفته و بلافاصله پس از فصلهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، جای گرفته است؛ یعنی مباحث نظری در سیر تاریخی بحث قرار گرفته است. بحثهای مربوط به روابط دین و دولت در ایران (فصل اول)، واکنش جریانهای مختلف فکری نسبت به غرب (فصل دوم) الگوی رفتار سیاسی امام خمینی (فصل پنجم) و اندیشه سیاسی امام (فصل هفتم) نیز وجهه نسبتاً نظری و فکری دارند؛ ولی به گونه مناسب و منسجم از آنها استفاده نشده است؛ هر چند به طور پراکنده بین فصلها قرار گرفته‌اند.

فقدان چارچوب نظری و انسجام درون منطقی در کتاب، باعث این تصور منفی شده که کتاب با وجود انبوه مطالب و داده‌ها، ارتباط کمی با ریشه‌های انقلاب اسلامی به مفهوم علمی کلمه دارد. داده‌ها و مواد خام مربوط به ریشه‌های انقلاب چنان پراکنده و بی‌انسجام مطرح

شده‌اند که خود را نشان نمی‌دهند؛ یعنی در واقع ریشه‌های انقلاب در بین انبوه مطالب تاریخی پنهان شده‌اند و پیدا کردن آنها مهمترین مشکل است؛ در حالیکه هدف اصلی این درس، پیدا کردن و نشان دادن همین ریشه‌هاست. هدف برنامه ریز از این درس آن بوده که با استفاده از اطلاعات و داده‌های فراوانی که دانشجوی فعلی در دوره متوسطه و راهنمایی و بخصوص در تاریخ معاصر ایران کسب کرده با شیوه‌ای علمی و رهیافتی همه فهم، ریشه‌های انقلاب از بین آنها استخراج شود و مفهوم علمی و آکادمیک بودن مباحث دانشگاهی و تفاوت آنها با آموزش دبیرستان نیز در همین مسأله نهفته است.

این نقیصه، آثار خود را در همه جای کتاب از جمله در سازماندهی کتاب نیز بر جای گذاشته و باعث شده است که فصلها و مباحث کتاب بر مبنای منطقی تفکیک نشوند و نوعی بی‌سازمانی، در فهرست مطالب به وجود آید؛ چرا که فهرست مطالب هر پژوهشی نتیجه منطقی طرح نظری است و عدم وجود طرح نظری، به گسیختگی در سازمان این کتاب منجر شده است.

۲- شیوه تاریخی: ایراد بعدی کتاب که موجب نقیصه اول هم شده، سیر کاملاً تاریخی آن است. نویسندگان کتاب، با اعتقاد عمیق به تاریخی بودن انقلاب و تأثیر مجموعه تحولات و شرایط فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در وقوع انقلاب، به تاریخ نگاری و وقایع نگاری انقلاب و یا فرایند تحولاتی منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، روی آورده‌اند و بدین ترتیب، از مسأله مهم نظریه پردازی انقلاب اسلامی چشم پوشیده‌اند. بی شک، اگر این شیوه تاریخی با دیدگاه نظریه پردازی تلفیق و تکمیل می‌شد، آثار مثبتی به همراه می‌آورد. مقدمه کتاب نیز با اذعان به محدودیتها و موانع روش تاریخی، برای شناخت واقعی انقلاب اسلامی راهی جز این به رسمیت نمی‌شناسد.

بر همین اساس، کتاب طی یک سیر تاریخی دست و پاگیر سعی کرده که تاریخ ایران را از ۷۰۸ قبل از میلاد، تا زمان حاضر به طور موجز و مختصر تحت پوشش قرار دهد و همین باعث آوردن برخی مباحث تکراری و آشنا برای دانشجو شده است که عمده‌تاً از مشهورات عامی است که تقریباً مورد مناقشه و گفت و گو نیست و نیازی هم به تحقیق ندارد؛ مخصوصاً که قسمت اعظم مطالب آن، بر مدل «تاریخ معاصر ایران» در دوره متوسطه است که





دانشجویان فعلی، چند سال پیش آنها را خوانده‌اند و جاذبه و انگیزه جدیدی برای آنها ندارد. ۳- سادگی و اختصار بیش از حد: ایراد سوم که نتیجه دو مورد قبلی است، سادگی و نیز موجز و مختصر بودن مباحث کتاب است و این سادگی و تکیه بر مشهورات عام و عامه‌پسند، چنان بر مجموعه کتاب سیطره یافته که متأسفانه سطحی بودن قسمت اعظم کتاب را تداعی می‌کند. به طور طبیعی، پوشش بیش از حد گستره تاریخی آن هم بدون چارچوب نظری، الهی است که محقق را به اختصار گویی و فشرده‌گی مباحث سوق می‌دهد تا کلیت و تمامیت تاریخی را در هم شکنند؛ زیرا تمام دغدغه محقق در روش تاریخی، تعهد به قالب و کلیت تاریخی است و نه اصل موضوع.

هر یک از داده‌ها و ادعاهای کتاب که در هر فصل دهها مورد از آنها وجود دارد، گاه به چند جلسه بحث و استدلال و ورود در جزئیات نیاز دارد؛ اما این فشرده‌گی و تلخیص افراطی، به قیمت فرو کاستن و سطحی کردن مباحث، انجام شده و لطمه جدی به مجموعه زده است. از این نظر، ارزش علمی کتاب تا حدودی نزول کرده و در حدی پایین‌تر از انتظار مخاطب درآمده است، به گونه‌ای که نمی‌تواند جای خالی یک متن درسی را بگیرد.

البته همانگونه که گفتیم، این کم مایگی شامل همه کتاب نیست و برخی فصلها و مطالب غنی علمی هم در آن وجود دارد که قابل کتمان نیست؛ ولی سهم آنها در مجموعه کتاب، اندک است. شاید جمعی بودن این کار، یکی از عوامل به وجود آورنده این کاستیها در کتاب باشد؛ به گونه‌ای که فقدان تجربه کار مشترک علمی در فرهنگ ما، گریبان‌گیر این کتاب هم شده و تفاوت سطح، بین مباحث مختلف کتاب را کاملاً آشکار نموده است. کاغذ نامرغوب و نیز چاپ و صحافی نامطلوب کتاب نیز بر کاستی‌های آن افزوده است.

یک پیشنهاد

با وجود این کاستیها، همان‌گونه که گفتیم، این کتاب در مجموع با ارزش است و اطلاعات و داده‌های خوبی دارد که با اندکی تغییر و تحولات و حذف برخی مطالب غیر ضرور برای کاهش حجم کتاب، قابلیت استفاده از کتاب را به طور چشمگیر تری افزایش می‌دهد. اگر کتاب به نحو زیر ترتیب داده شود، همین داده‌ها بهتر و بیشتر در خدمت هدف کتاب خواهند بود:

فصل اول: مفاهیم و نظریه‌ها؛ شامل ارائه تعاریفی از انقلاب و تمایز انقلاب با پدیده‌های مشابه و نیز برخی نظریه‌های تبیین‌کننده انقلاب (به طور عام) و انقلاب اسلامی. فصل ششم کتاب و اضافه کردن بحث تعاریف انقلاب، این فصل را کامل خواهد کرد.

فصل دوم: زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی شامل مباحثی مانند: پیشینه دین و دولت در ایران، روشنفکران ایرانی و غرب، اندیشه و زندگی‌نامه سیاسی امام، گروه‌های فکری - سیاسی ایران. فصول اول و دوم کتاب با اندکی تغییر و بخشهایی از فصول چهارم و هفتم کتاب، محتوای آن را تأمین خواهد کرد.

فصل سوم: زمینه‌های تاریخی انقلاب اسلامی؛ شامل: جنبشهای تنباکو، مشروطه، نفت و ۱۵ خرداد به نحوی که ارتباط این جنبشها با انقلاب اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد. فصل سوم کتاب، بخشهایی از فصل چهارم و فصل پنجم، محتوای آن را تشکیل خواهد داد.

فصل چهارم: ریشه‌های نارضایتی مردم (یا زمینه‌های عینی و واقعی انقلاب اسلامی که عین مطالب فصل ششم کتاب به صورت کامل قابل استفاده است و کفایت می‌کند.

فصل پنجم: فرایند انقلاب اسلامی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷؛ شامل: حوادث و تحولات مهم نهضت اسلامی به صورت گام به گام، روشهای مبارزاتی و الگوی رفتاری امام خمینی (ره) و نیز واکنش قدرتهای بزرگ در مقابل موج انقلاب اسلامی. محتوای این فصل از طریق بخشهایی از فصل پنجم و فصل هفتم تأمین خواهد شد.

فصل ششم: دستاوردهای انقلاب اسلامی شامل مباحث فصل نهم کتاب با اندکی تغییر و تکمیل مطالب.

فصل هفتم: موانع فراروی انقلاب اسلامی شامل مباحث فصل دهم کتاب به طور کامل و

تمام.

